



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی رفسنجان

دانشکده پزشکی

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت

پایان نامه جهت اخذ دکترای پژوهشی روانشناسی سلامت

عنوان:

اثر بخشی مداخله آموزش روان شناختی همراه با تکنیک آرام سازی پیش رونده عضلانی بر کیفیت زندگی، مشارکت، سلامت روانی، خستگی و برخی فاکتورهای ایمونولوژیک و نورواندوکرینولوژیک در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس

استاد راهنما:

دکتر رضا وزیری نژاد

اساتید مشاور:

دکتر عبدا...جعفر زاده

دکتر سید مجتبی یاسینی

دکتر ابوالقاسم رحیم دل

نگارش:

احمد رضا صیادی

پائیز ۹۵

شماره پایان نامه:

(چکیده):

مقدمه: مولتیپل اسکلروزیس از شایع‌ترین بیماری‌های مزمن سیستم عصبی مرکزی است، غالباً این بیماری ناتوان‌کننده، در بزرگسالان جوان که در مراحل فعال زندگی قرار دارند بروز کرده و مانند هر بیماری مزمن دیگر، جنبه‌های مختلف فرد مبتلا و کیفیت زندگی وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مطالعه با هدف ارزیابی اثربخشی مداخله آموزشی روان‌شناختی همراه با تکنیک آرام‌سازی پیش‌رونده عضلانی بر کیفیت زندگی، مشارکت، سلامت روانی، خستگی و برخی فاکتورهای ایمنولوژیک و نورواندوکرینولوژیک در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس انجام گرفته است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه کارآزمایی بالینی شاهددار سه سوکور، ۶۰ بیمار مولتیپل اسکلروزیس که عضو انجمن مولتیپل اسکلروزیس شهرستان یزد بودند، با روش نمونه‌گیری آسان و با توجه به معیارهای ورود و خروج به مطالعه دعوت شدند نمونه‌ها را به صورت تصادفی در دو گروه آزمون ۳۰ نفر و شاهد ۳۰ نفر تقسیم و گروه آزمون ۱۲ جلسه آموزش روان‌شناختی همراه با تکنیک آرام‌سازی پیش‌رونده عضلانی هر هفته دو جلسه دریافت نمود، در این مرحله برای گروه شاهد هیچ گونه مداخله‌ای انجام نشد، گرچه آنها در تماس با تیم تحقیقاتی بودند ولی نمی‌دانستند که آموزش رسمی شروع شده یا خیر. اطلاعات با استفاده از پرسش‌نامه دموگرافیک و نیز پرسشنامه‌های استاندارد کیفیت زندگی، مشارکت، استرس، افسردگی، اضطراب، خستگی و همچنین تست الیزا برای اندازه‌گیری سطح سرمی Cortisol, IL-17, IL-10, IL-6 در سه دوره زمانی قبل، بلافاصله و سه ماه بعد از مداخله جمع‌آوری گردید، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون‌های آماری T, Chi2, Fisher, Kolmogorov- Smirnov, Repeated measures Pearson correlation استفاده شد. روش‌های آماری مورد استفاده با توجه به ماهیت اطلاعات جمع‌آوری شده و نیز شرایط حاکم بر آنها از نظر توزیع و وضعیت پراکندگی انتخاب شده‌اند.

یافته‌ها: قبل از آموزش تفاوت معنی‌داری در مشخصات دموگرافیک، طول مدت بیماری، شاخص توده بدنی، نمره کیفیت زندگی، مشارکت، استرس، افسردگی، اضطراب، خستگی و سطح سرمی Cortisol, IL-10, IL-17, IL-6 وجود نداشت ($p > 0.05$). که خود نشان‌گر انجام صحیح فرایند تصادفی کردن می‌باشد. هر چند نمره کیفیت زندگی، مشارکت، استرس، افسردگی، اضطراب و خستگی در گروه آزمون و شاهد، بلافاصله و سه ماه بعد از مداخله از نظر آماری معنی‌دار بود ($p < 0.001$) و آزمون آماری Repeated measures افزایش معنی‌داری را از نظر میزان نمره کیفیت زندگی، مشارکت و همچنین کاهش معنی‌داری را از نظر میزان نمره استرس، افسردگی، اضطراب، خستگی و سطح سرمی Cortisol, IL-10, IL-17, IL-6 در گروه آموزش در سه بار اندازه‌گیری نشان داد ($P < 0.00001$).

نتیجه‌گیری: بنابر این، شاید بتوان آموزش روان‌شناختی به همراه آرام‌سازی پیش‌رونده عضلانی را بعنوان یک روش مداخله‌ای مفید برای بهبود کیفیت زندگی، مشارکت، استرس، افسردگی، اضطراب و خستگی بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس به کار برد.

واژه‌های کلیدی: مولتیپل اسکلروزیس، آموزش روان‌شناختی، آرام‌سازی پیش‌رونده عضلانی، کیفیت زندگی، مشارکت، سلامت روانی، خستگی،

فاکتورهای ایمنولوژیک، نورواندوکرینولوژی

